



طراحی آموزشی و تفکر مسئله‌مدار مسئله‌ها از نیمه‌پر لیوان آغاز می‌شوند!

تفاوت‌های فردی و انواع تفکر

افراد به سبک و روش‌های متفاوتی فکر می‌کنند. این موضوع از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است. برای مثال، سبکی از تفکر که بر نظریه خودمدیریتی ذهنی استرنبرگ^۱ استوار است، بیان می‌دارد، همان‌گونه که برای مدیریت جامعه راه‌های متفاوتی وجود دارد، افراد نیز برای بهره‌گرفتن از توانایی‌های خود شیوه‌های متفاوتی دارند. این نظریه سیزده سبک تفکر را توصیف می‌کند که مورد توجه و بررسی پژوهشگران متعدد قرار دارد. یکی از شایع‌ترین پژوهش‌ها به ارتباط هر یک از انواع تفکر با یادگیری و پیشرفت تحصیلی مربوط می‌شود.

اما در کنار این مطالعات، ارتباط سبک تفکر و موفقیت‌های حرفه‌ای از دیگر مقولات قابل توجه است. در این راستا، انواع شیوه‌های تفکر، اعم از تفکر مبتنی بر حل مسئله و تفکر مثبت درونی مطرح می‌شوند که هر کدام نگاهی مخصوص به کاربرد و اثرگذاری هر نوع تفکر بر کسب موفقیت‌های حرفه‌ای و ایجاد زمینه‌های تعالی و بهبود مستمر دارد.

تفکر مثبت

اندیشمندان معتقد به این نگرش، تفکر را نوعی گفت‌وگوی درونی و ذهنی تلقی می‌کنند و بر این باورند

اشاره

در بررسی انواع تفکر و ارتباط آن با طراحی آموزشی با این دریافت اساسی روبه‌رو می‌شویم که هدف، طراحی آموزشی پرورش و توجه به اندیشه‌ورزی و روحیه پرسش‌گری دانش‌آموزان است. در چنین شرایطی، تاثیرگذاری سبک تفکر مربیان بر طراحی آموزشی انکارناپذیر است. در نگاهی ساده می‌توان به ده‌ها اتفاق روزانه در مدارس اشاره کرد که مربیان نسبت به آن‌ها واکنش‌های گوناگون نشان می‌دهند. برای مثال، معلمان در برابر انجام ندادن تکلیف ممکن است به شیوه‌های متفاوتی رفتار کنند که تنها اشتراک آن‌ها این است که هر یک از نوعی سبک تفکر پیروی کرده‌اند. این در حالی است که در اسناد بنیادین آموزش و پرورش، اعم از سند برنامه درسی ملی و نیز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به تفکر توجه ویژه‌ای شده است. برای مثال، در یکی از اهداف اشاره شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش آمده است: «هدف تربیت پرورش یافتگانی است که از دانش‌های پایه و عمومی و سازگار با نظام معیار اسلامی، همچنین از توان تفکر، درک و کشف پدیده‌ها و رویدادها، به عنوان آیات الهی و تجلی فاعلیت خداوند در خلقت و نیز دانش، بینش و مهارت‌ها و روحیه مواجهه علمی و خلاق با مسائل فردی و خانوادگی و اجتماعی برخوردارند.» بدیهی است، در حصول به چنین نتیجه‌ای سبک تفکر مربیان اهمیت بسزایی دارد.

کلیدواژه‌ها: طراحی آموزشی، تفکر، تفکر مسئله‌مدار، تفکر مثبت

مثبت اندیشی به معنای نادیده انگاشتن نکات منفی نیست، بلکه دیدن موانع به عنوان راهی برای تبدیل تهدیدها به فرصت‌هاست

دست آن‌ها فراری بودند. بی‌انگیزه و بی‌توجه به درس و مدرسه بودند و تنها سرگرمی‌شان این بود که سر به سر دانش‌آموزان دیگر بگذارند، یا اگر زورشان برسد دبیرانشان را مسخره کنند. بارها با خودم فکر می‌کردم، چرا باید در چنین شرایطی که اوضاع فکری خودم هم دگرگون شده است، مجبور به رویارویی با چنین کلاس درسی باشم. اما یک روز، در حین گفت‌وگو با یکی از همکارانم، همه چیز تغییر کرد و من به خودم آمدم. همکارم که چند سالی با هم تجربه همکاری داشتیم، گفت خیلی به من غبطه می‌خورد که این همه شور و هیجان دارم. ادامه داد، تصور می‌کنم تو در زندگی‌ات هیچ مسئله‌ای نداری که این‌قدر در مدرسه با نشاط هستی.

همین جملات برای من کافی بود تا یک بار دیگر نیروی طرز تفکر را به خودم یادآوری کنم. می‌دانستم که اگر شیوه تفکر را به پیرامونم تغییر دهم و تلاش کنم به طور مثبت و مؤثری بیندیشم، در این صورت انرژی و نیروی مضاعفی برای ادامه کار به دست خواهم آورد. این یادآوری موجب شد رویه‌ام را تغییر دهم. همان روز به هر کلاس و هر دانش‌آموزم فکر کردم و تلاش کردم داشته‌های آن‌ها را فهرست کنم. از میان



که آنچه نحوه زندگی انسان‌ها را مشخص می‌کند، تفسیر و نوع دید آن‌ها نسبت به وقایع بیرونی است نه خود آن وقایع. بر این اساس، سرمنشأ مثبت‌اندیشی از باورهای افراد است که در نقطه مقابل تفکر منفی قرار دارد. باورهای هر فرد و نوع برداشتی که از زندگی و وقایع آن دارد، او را به سوی خوشبختی یا بدبختی هدایت می‌کند.

فارغ از گستردگی و عمق این مفاهیم، اشاره به یکی از شواهد مرتبط با تفکر مثبت می‌تواند اثرگذاری مثبت‌اندیشی را در کسب موفقیت بیشتر کند.

اثر ماشین قرمز

مردم به‌طور طبیعی به نتایج منفی بیشتر از نتایج مثبت فکر می‌کنند و غالباً نتایج منفی نیز از آن افراد بدبین است. از طرف دیگر، برای مردم مثبت‌اندیش اتفاقات خوب پی‌درپی رخ می‌دهد. این درست مانند زمانی است که شما اتومبیل قرمز می‌خرید. پس از آن ناخودآگاه همه اتومبیل‌های قرمز اطراف خود را می‌بینید و دیدن اتومبیل‌های قرمز برای شما معنی‌دار می‌شود. شما به اتومبیل زیبا و جدید خود افتخار می‌کنید و هیجان‌زده هستید، در نتیجه زیاد به آن فکر می‌کنید. وقتی اتومبیل قرمز نقطه اصلی تمرکز شما باشد، اتومبیل‌های قرمز همه‌جا در اطرافتان ظاهر می‌شوند (گودریچ، ۲۰۱۱).

پیام این است: «بر هر چیزی تمرکز کنید، مقدار بیشتری از آن را به‌دست می‌آورید.» اگر موضوعات خوشایند را تجسم کنید، امکان دریافت و پیدا کردن منابع بیشتر برای بهینه‌سازی هم بیشتر مهیا می‌شود. عکس این موضوع هم صادق است. معلمی که بیش از هر چیزی به نداشته‌های ناامید کننده در کلاس خود توجه دارد، در نهایت تا پایان سال و شاید تا پایان سال‌های کاری خود نیز ناکامی‌ها را بیشتر از نقاط قابل اتکا و محورهای تغییر و پیشرفت می‌بیند. در این حالت، نگرش و نوع تفکر مسیر را مشخص می‌کند و شایسته‌تر این است که افکار به مسیر مثبتی هدایت شوند.

یک تجربه

سال‌های دهه سوم کارم بودم. اوضاع چندان مناسبی نداشتم. از یک طرف اتفاقات ناگواری در خانواده‌ام رخ داده بود و از طرف دیگر، فشار کاری بیشتری را نسبت به سال‌های گذشته تحمل می‌کردم. از جمله اینکه در کلاس دانش‌آموزانی داشتم که همه معلمان دیگر از

گاه لازم است
با طرح پرسش «چرا؟»
تلاش کنیم
ضمن دریافت
دلایل همراهی نکردن
دانش آموزان با
کلاس درس،
به کشف شیوه و
ایده‌های مؤثر
برای جلب
همراهی آن‌ها
با مسیر یادگیری
موفق شویم

فهرست به دست آمده، موقعیت‌هایی را برای ابراز وجود و همیاری و مشارکت دانش‌آموزانم در روند یادگیری و آموزش طراحی کردم. برای مثال، برای تعدادی از دانش‌آموزانم که در خنداندن بچه‌ها، البته از طریق تمسخر، تخصص داشتند، برنامه‌هایی را انتخاب کردم که مطابق آن‌ها باید برای بخشی از درس نمایش اجرا می‌کردند. تصمیم را به عنوان یک انتظار از دانش‌آموزان با آن‌ها در میان گذاشتم. در نهایت، آن سال با کمک بچه‌ها، تکیه بر توانایی‌هایشان و ایجاد تحول در طراحی آموزشی، کلاس‌هایم به بهترین کلاس‌های سال‌های کاری من تبدیل شدند.

تفکر مبتنی بر حل مسئله

افرادی که سبک تفکر خود را در مسیر حل مسئله سازمان‌دهی می‌کنند، غالباً مسائل را قابل حل و فرصت‌هایی برای تعالی و تکامل بیشتر می‌بینند. به این ترتیب، از محدودیت‌ها و تهدیدها راهی برای رشد و فرصت‌آفرینی می‌یابند. تمایل این گروه از افراد رسیدن از وضع موجود (در هر شرایطی که هست) به وضع مطلوب است به همین دلیل، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های موجود را به درستی شناسایی می‌کنند تا به کمک آن‌ها شیوه‌ای برای حل مسئله‌های رودرروی خود پیدا کنند. این سبک از تفکر ارثی و وابسته به ژنتیک نیست، بلکه مهارتی آموختنی است که در هر ذهن دغدغه‌مندی امکان رشد و توسعه دارد.

احساس مسئولیت در برابر مسئله

معلمانی با سبک تفکر مسئله‌مدار، در برابر هر مسئله، رسالت و مسئولیتی در خود احساس می‌کنند و با این نگرش، هر گاه در کلاسشان دانش‌آموزی با ویژگی خاص دارند یا در مدرسه با محدودیت‌هایی مواجه می‌شوند و یا دیگر شرایط مشابه، تلاش می‌کنند آن موضوع را مسئله خود ببینند و برای حل آن اقدام کنند. برای داشتن حس مسئولیت در برابر هر مسئله ویژگی‌هایی اساسی و ضروری هستند. این موارد در جدول زیر آمده‌اند:

چگونه در حل مسئله مسئله‌مدارانه عمل کنیم؟

وجود مسئله را انکار نکنیم.

آنچه را اتفاق افتاده است مشکل ندانیم، بلکه آن را مسئله‌ای قابل حل تلقی کنیم.

تلاش برای حل مسئله برایمان اهمیت داشته باشد.

باور کنیم حل مسئله به زمان و تلاش مضاعف نیاز دارد.

راه‌حل‌های مسئله را با شرط اینکه به خود یا دیگران آسیبی وارد نمی‌کند انتخاب کنیم.

مشکل یا مسئله

تفاوت رویارویی با یک اتفاق به صورت مشکل یا مسئله به نوع واکنش افراد بستگی دارد. هنگامی یک اتفاق مشکل تلقی می‌شود که به برخورد و واکنش هیجان‌مدارانه محدود شود. ریشه کار در این باور است که شرایط غیر قابل تغییر و کنترل هستند. بنابراین، تنها واکنش هیجانی امکان بروز دارد. این در حالی است که در رویارویی مسئله‌مدار، برای شناسایی علت‌ها و معلول‌ها و عوامل شکل دهنده و ایجاد کننده مسئله و متعاقب آن برنامه‌ریزی و اقدام برای از میان برداشتن موانع و رسیدن به نتیجه متعالی تلاش می‌شود.

برای مثال، عبارات زیر در گفته‌های یک معلم نشانه واکنش هیجان‌مدار است:

- همه دانش‌آموزان بی‌حوصله هستند!
- امروزه حس و حال درس خواندن در دانش‌آموزان دیده نمی‌شود!

نتیجه و تأثیر چنین رویارویی هیجان‌مداری





که در اثر بی توجهی به تهدید کلاس یا یادگیری تبدیل شده‌اند، شناسایی شوند. برای مثال، ممکن است به این نکته برسیم که شیوه آموزش ما متنوع و جذاب نیست. این پاسخ در واقع راهکاری است که می‌تواند به حل مسئله کمک کند.

کوتاه سخن

تلفیق دو شیوه تفکر مثبت و تفکر مسئله‌مدار موجب می‌شود نگاه به مسئله و روش حل آن در فرایند طراحی و اجرای آموزش دگرگون شود. در رویارویی با دانش‌آموزان و نیز فرایند یاددهی - یادگیری، همواره لازم است بر نکات مثبت و داشته‌های ممکن بیش از نکات منفی و آنچه در زمان معین در اختیار نیست تمرکز و توجه داشت. برای مثال، هنگامی که معلم تلاش می‌کند به توانایی‌های دانش‌آموزان خود توجه بیشتری داشته باشد، دریافت روشن‌تری برای مقابله و کنترل ضعف‌های آنان خواهد داشت. همانند کلاسی که معلم آن به شیوه‌ها و تجربه‌های مثبت و مؤثر خود بر یادگیری دانش‌آموزان توجه می‌کند و از این طریق برای آفرینش دیگر فرصت‌های مؤثر یادگیری اقدام می‌کند. در چنین حالتی، مربی در صورت مواجهه با شکست یا ناکامی، می‌تواند بر توانایی‌های خود و دانش‌آموزان تکیه و تلاش کند شیوه مناسب دیگری را جایگزین راه ناکام پیشین قرار دهد. نباید فراموش کرد که این نوع تفکر، علاوه بر ارتباط مستقیمی که با طراحی آموزشی دارد، از جمله توانایی‌های لازم برای تجربه زندگی سالم و مؤثر نیز به شمار می‌رود.

تصمیم‌گیری‌هایی است که ممکن است با وجود صرف انرژی بسیار، به حصول فایده‌ای منجر نشود یا معلم در اثر این واکنش خود را غیر مؤثر احساس کند و دست از تلاش برای ایجاد انگیزه بیشتر در دانش‌آموزان یا ایجاد فضایی ترغیب‌کننده برای یادگیری بردارد. در مقابل، تفکر مسئله‌مدار به هر یک از این موقعیت‌ها به عنوان سؤالی نیازمند پاسخ می‌نگرد. به همین دلیل، تکنیک‌های گوناگون این نوع تفکر از جمله «تکنیک چرا» می‌تواند راه‌گشا و ایده‌آفرین باشد.

چراهای بی‌پایان!

تکنیک «چرا» از جمله شیوه‌هایی است که ذهن را به سوی مسئله‌مداری و تلاش برای حل مسئله هدایت می‌کند. این روش برای ایده‌یابی و ایده‌پروری و نیز شناخت درست و کامل از مسئله استفاده می‌شود. برای این منظور، لازم است سؤال یا مسئله مورد نظر را با عنوان چرا مطرح کنیم. برای مثال، چرا دانش‌آموزان بی‌حوصله هستند؟ لازم است پاسخ این سؤال از دریافت‌های حرفه‌ای معلم ارائه شود. سپس پاسخ را با کلمه سؤالی «چرا» به یک سؤال دیگر تبدیل می‌کنیم و این کار را تا جایی ادامه می‌دهیم که به بینش و بصیرتی درباره موضوع برسیم و از درون پاسخ‌ها راهی برای کاهش یا حل مسئله متناسب با توان و امکان خود پیدا کنیم. در این فرایند ممکن است فرصت‌هایی



* پی‌نوشت

1. Sternberg

* منابع

1. Laura Goodrich. Seeing Red Cars: Driving Yourself, Your Team, and Your Organization to a Positive Future. Berrett-Koehler Publishers. 2011
2. Sternberg, R. J. (1997). Thinking Styles. UK: Cambridge University Press